من مات علی موالاتنا فی غیبة قائمنا، اعطاه الله اجر الف شهید مثل شهداء بدر و احد

هر که در زمان غیبت قائم ما بر موالات و دوستی ما بمیرد، خداوند پاداش هزار شهید مانند شهیدان بدر و اُحد به او عطا کند.

روایت

گریه بی‌امان سردار در گنبد حرم سیدالشهدا(ع)

حسن پلارک، مشاور و دستیار ویژه فرمانده نیروی قدس و رئیس ستاد پشتیبانی جبهه مقاومت که سال‌ها دوست و همرزم سردار شهید قاسم سلیمانی بود و از سوی سردار به عنوان رئیس ستاد بازسازی عتبات عالیات، مسئول بازسازی و توسعه عتبات شده بود، در گفت‌وگو با ایکنا به بیان خاطره‌ای از حضور سردار سلیمانی در بالای گنبد حرم امام حسین(ع) پرداخت و گفت: ستاد بازسازی عتبات در حال بازسازی و استحکام گنبد حرم حضرت سیدالشهدا(ع) بود و بچه‌های ستاد بالای گنبد امام حسین(ع)، کاشی‌کاری‌ها و آینه‌کاری‌های قبلی را جمع کرده و در حال بازسازی بودند. یکی از خبرنگاران به من گفت می‌خواهند از بالای گنبد گزارش خبری بگیرند. من با خبرنگار رفتم و با بچه‌هایی که آنجا کار می‌کردند صحبت کردیم و با کارگرها بالای سر قبر آقا سیدالشهدا(ع) نماز خواندیم. حضور در آن مکان، چنان مرا منقلب کرده بود که نتوانستم حرف بزنم. فیلم این برنامه از تلویزیون پخش شد اما من آن را ندیده بودم.

در حاشیه یکی از جلسات، سردار سلیمانی با من شوخی کرد و گفت: یکی از فیلم‌های شما را از تلویزیون دیدم، فیلم خیلی خوبی بود. پرسیدم کدام فیلم؟ گفتند: همان فیلمی که به زور می‌خواستی گریه کنی اما گریه‌ات نمی‌اومد. سردار همیشه از این شوخی‌ها می‌کرد. این حرف را که زد یادم آمد احتمالاً همان فیلم بالای گنبد است. بالای گنبد من واقعاً خودم را کنترل می‌کردم که گریه نکنم.

من هم خواستم شوخی کنم گفتم آنجا لازم نیست زور بزنی گریه کنی، هر کسی وارد شود گریه‌اش می‌گیرد. ضمناً لیاقت می‌خواهد کسی آنجا برود. سردار گفت: یعنی چی؟ یعنی من لیاقت ندارم؟ گفتم: من نمی‌دانم؛ اما شنیدم شما می‌آیید و می‌روید به حرم‌ها و احوالی از بچه‌های ما نمی‌گیرید که آنجا چکار می‌کنند؛ حالا درست است که به خاطر مسائل امنیتی ملاحظاتی وجود دارد اما ما قول می‌دهیم امنیت شما را تأمین کنیم. سردار به من گفت: ناراحت شدی؟ من شوخی کردم. گفتم: نه شما ناراحت شدی؟ من هم شوخی کردم. جلسه شورا که تمام شد، سردار مرا صدا کرد و گفت: من حتماً آنجا می‌آیم. گفتم: کجا؟ گفت: همان جایی که گفتی لیاقت می‌خواهد. گفتم: حاج آقا من جسارت نکردم.

چهار روز بعد ساعت ۹ صبح من تهران بودم. آقای پورجعفری از بغداد به من زنگ زد و گفت: حاجی (سردار سلیمانی) می‌گوید امروز ساعت ۴ بعد از ظهر می‌خواهم بروم همان جایی که گریه می‌کنی و پرسید: کسی آنجا هست؟ به بچه‌ها بسپار که سردار می‌آید.

من گفتم: بله هماهنگ می‌کنم تا از سردار استقبال کنند. تلفن را که قطع کردم به فرودگاه زنگ زدم و دیدم پرواز به عراق هست و سریع بلیت گرفتم و رفتم کربلا و بعد رفتم بالای گنبد و به بچه‌های ستاد بازسازی گفتم حاجی (سردار) می‌خواهد بیاید. همین که داشتیم صحبت می‌کردیم حاجی با ابومهدی آمدند و بچه‌ها رفتند استقبال و همه آمدند بالای گنبد حرم امام حسین(ع). حاج قاسم که مرا بالای گنبد دید گفت: تو اینجا چکار می‌کنی؟ گفتم: حاج آقا به من گفتن بودن اینجا لیاقت می‌خواهد و خندیدم. گفت: پس ما لایق بودیم. گفتم: من که می‌دانستم شما لایق هستید.

تعارف کرد و گفت: کار خوبی نکردی و خودت را به زحمت انداختی. وارد گنبد شدند. به محض اینکه وارد شد کنترل خود را از دست داد و گریه کرد و ما به زور سردار را بلند کردیم. از افرادی که آن بالا بودند سردار، ابومهدی و پورجعفری شهید شدند. من اقدامات ستاد برای استحکام گنبد و سایر طرح‌ها را توضیح دادم.

تازه‌های نشر

مجموعه کتاب‌های «محافظان آسمانی»

خاطرات محافظان حاج قاسم به بازار نشر آمد

خاطرات شفاهی شهیدان «شهروز مظفری‌نیا»، «هادی طارمی» و «وحید زمانی‌نیا» از محافظان همراه شهید حاج قاسم سلیمانی در فرودگاه بغداد همزمان با دومین سالروز شهادت در قالب سه عنوان کتاب جدید از طرف انتشارات شهید کاظمی منتشر شد.

■ «همراهی تا آسمان»

به گزارش ایکنا، در بخشی از کتاب «همراهی تا آسمان» که شامل خاطرات شفاهی پاسدار شهید «شهروز مظفری‌نیا»، سر تیم محافظان همراه شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی است، می‌خوانیم: «جمعیت زیادی آمده بودند. دور حاج قاسم پر شده بود از جوان‌هایی که می‌خواستند با ایشان عکس بگیرند.

این‌ها را شهروز همان شب برایم گفت. وقتی آمد، حالش خوب نبود. زیر فشار جمعیت، دیسک کمرش آسیب دیده بود...

صبح که بیدار شدیم، گفت نمی‌تواند تکان بخورد! انگار فلج شده بود. نه می‌توانست غذا بخورد نه می‌توانست وضو بگیرد. گریه می‌کرد.

خیال می‌کردم از درد است، ولی نبود. از عشق بود. عشق به کارش و ترس از اینکه دیگر نتواند کنار حاج قاسم بماند...».

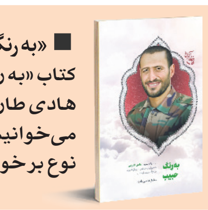

■ «به رنگ حبیب»

کتاب «به رنگ حبیب» نیز مجموعه خاطرات پاسدار شهید هادی طارمی، دیگر محافظ حاج قاسم است که در بخشی از آن می‌خوانیم: هادی پس از آشنایی با حاج قاسم، شروع کرد به تغییر. نوع برخوردی که با اطرافیان داشت، حرف‌ها و فکرهایش، همه عوض شده بود.

اگر از من بپرسید می‌گویم هادی در حاج قاسم حل شده بود! تا جایی که انگار یک وجود بودند و هادی به رنگ حاج قاسم درآمده بود؛ به رنگ حبیب».

■ «من محافظ حاج قاسمم»

کتاب «من محافظ حاج قاسمم» خاطرات شفاهی پاسدار شهید وحید زمانی‌نیا، جلد اول از مجموعه کتاب‌های «محافظان آسمانی» است که در قالب داستان کوتاه به نگارش در آمده است. این سه کتاب توسط انتشارات شهید کاظمی منتشر شده است.

دیدگاه

چرا شهید سلیمانی خود یک «مکتب» است؟

علیرضا مقدسی/ رامونا میرحاجیان مقدم | استفاده از واژه «مکتب» از ناحیه ولی‌فقیه زمان برای فردی همچون شهید سلیمانی و آن هم برای نخستین بار، حاوی نکات و ظرایف برجسته‌ای است. همچنین توصیف شهید سلیمانی به‌عنوان یک مکتب، او را از حیثیت فرد بودن و شخصی شدن خارج می‌کند و در حوزه «شخصیت» وارد می‌سازد. او تنها یک شخص نبوده بلکه «رفتار، مرام، سبک، عقیده و مسلک» و درنهایت یک «مکتب» است. شخص یعنی مشخصات شناسنامه‌ای فرد، اما شخصیت به معنای سبک زندگی، رفتار، افکار و اندیشه، مرام و عقیده، روش و منش، کنش و واکنش، حوزه نفوذ اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و میزان تأثیرگذاری آن در جوامع مختلف است. به همین منظور برای تبیین مکتب حاج قاسم باید اول شخصیت حاج قاسم را شناخت و حقیقت‌ها را بیان کرد. به عبارت دیگر، مکتب سردار قاسم سلیمانی چندین ویژگی داشت که به این مرتبه رسید و رهبر معظم انقلاب فرمودند: «شهید سلیمانی یک فرد نیست بلکه یک مکتب است». اما به‌راستی یک انسان باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد تا مکتب‌ساز شود و ویژگی‌های مکتب شهید سلیمانی کدام‌اند؟

مکتب شهید سلیمانی، همان مکتب مدیریت اسلامی است که به‌خوبی توانسته در عرصه‌های میدانی و کاربردی و عملیاتی، عمده ویژگی‌های آن را محقق سازد و به ما بیاموزد اصول و مفروضات مطرح شده در مدیریت اسلامی، گزاره‌های صرفاً ذهنی نیستند و در صورت توجه مناسب و اهتمام لازم و مورد وثوق قرار گرفتن آن توسط افراد و توجه به آن‌ها در نظریه و عمل می‌توان تبلور و تجلی آن را در افراد، مدیران و مسئولانی همچون امثال سردار شهید سلیمانی و سازمان‌های تحت امر وی شاهد و ناظر بود. مکتب سلیمانی ولایتمداری و مردم‌داری، عدالت‌محوری و ظلم‌ستیزی، مسئولیت‌پذیری و شایسته‌سالاری، ایمان و استقامت در راه هدف، روحیه جهادی و اخلاص در مدیریت و درنهایت شهادت‌طلبی را که از مهم‌ترین مؤلفه‌های مکتب مدیریت اسلامی است توأمان دارد.

مکتب شهید سلیمانی از جنس و سنخ فرهنگ و اندیشه بوده و این فرهنگ هم از جنس دیگری است و با همه فرهنگ‌های مادی در تضاد بوده و با همه آن‌ها متفاوت است. فرهنگ انقلابی، فرهنگ ایثار و شهادت، فرهنگ انسانیت و معنویت، فرهنگ محبت و عشق و دلدادگی، فرهنگ یکرنگی و اتحاد، فرهنگ عرفان و معرفت مهم‌ترین ویژگی‌های جنس فرهنگ مکتب شهید سلیمانی است.

مکتب شهید سلیمانی در قلب و جان و افکار و اندیشه‌های افراد و رهروان واقعی‌اش جای دارد. علتش آن است که اندیشه‌ها نیز جریانی روان و مستمر هستند که در طول تاریخ جلوه می‌کنند. بنابراین باید تلاش کرد با نگاهی اندیشمندانه و خردگرایانه در مکتب شهید سلیمانی مانع از آن شد که در آینده توسط کج‌اندیشان مغرض و خودخواهان منحرف مورد سوءاستفاده و سوءبرداشت شود. همچنین نباید به آنان این فرصت را داد که مکتب شهید سلیمانی را از مسیر اصلی خود خارج نمایند. واقعیت آن است هر گاه انسان از مدار فردیت خارج شود و سعه وجودی‌اش به اندازه‌ای گسترش یابد که بر نفوس انسان‌ها تأثیری قابل توجه در مسیر کمال بگذارد، در واقع به یک مکتب تبدیل شده است.

مکتب شهید سلیمانی همواره و در همه حال جامع‌الاطراف بوده است؛ به عبارت دیگر، در حصار تنگ افراد و گروه‌ها، احزاب، دسته‌ها و جریان‌های کوتاه‌مدت و زوال‌پذیر سیاسی محصور نمی‌شود و اگر محصور و محدود می‌شد دیگر مکتب سلیمانی نبود. نگاه بلند و دید راهبردی ایشان مکتب شهید سلیمانی را تا ابد بیمه خود کرده و ولایتمداری و مردم‌داری توأمان و همزمان آن را از محصورات و محدودیت‌های سایر مکاتب خارج می‌کند.

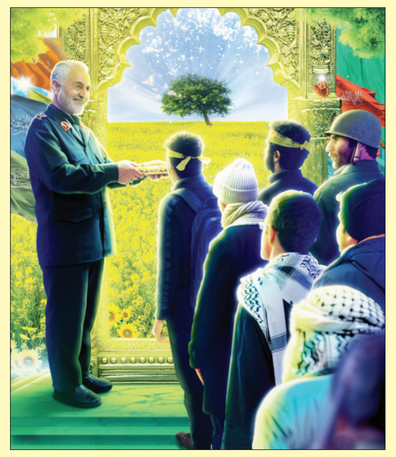

برخلاف اشخاص که با رفتن خود، حمایت پیروانشان را عموماً از دست می‌دهند، مکتب شهید هر روز رنگ و بوی تازه‌ای می‌گیرد و شاگردان فراوان و متعددی را نه فقط در یک منطقه محدود بلکه در سراسر جهان تربیت کرده و پرورش می‌دهد. این پیروان، علاقه‌مندان، شیفتگان، رهروان و دنباله‌روهای متعدد و متنوع مهم‌ترین پیشران‌های مکتب شهید سلیمانی هستند که هر روز نیز بر شمارگان آن‌ها افزوده می‌شود.

مکتب شهید سلیمانی، مکتب بزرگ و پویا و پایدار جهانی است که می‌تواند هر یک از جوانان این سرزمین را به سلیمانی دیگری تبدیل کند. این به آن علت است که سردار قاسم سلیمانی در طول حیات خویش به‌خوبی به تکلیفش بیش از توانش عمل کرد، هرگز از اصول و مفروضاتش کوتاه نیامد، هیچ وقت از گذشته پرافتخار و بی‌مانندش پشیمان نشد و در نهایت تبدیل به الگویی جهانی و مکتبی کم‌نظیر شده است و به همین دلیل نیاز است این مکتب به نسل آینده معرفی شود. به علاوه، مکتب شهید سلیمانی، ماندگار و بالنده و پویاست و امری موقتی و کوتاه‌مدت نیست که با رفتن صاحب خود، زوال و نابودی بپذیرد.

مکتب شهید سلیمانی، از نظر مفاهیم و موضوعات علمی و پژوهشی بسیار گسترده است. از مفاهیم اخلاقی و فردی ایشان گرفته تا مسائل سیاسی، اجتماعی، موضوعات نظامی، عملیاتی و راهبردی را نیز شامل می‌شود. برای بررسی و تحقیق درباره آن لازم است از رشته‌های گوناگون علمی کمک گرفته و تحقیقات میان‌رشته‌ای و چندرشته‌ای را بنیان نهاد.

مکتب شهید سلیمانی، پیام‌ها، روش‌ها و ابزارهای خاصی دارد و دارای پیام‌های مختلفی است. بنابراین برای علوم مختلف و دانشمندان اندیشه‌ورز، موضوعی قابل مطالعه است. شایسته و بلکه لازم است استادان و صاحبنظران مختلف در رشته‌های گوناگون همچون مردم‌شناسی، رفتارشناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم نظامی، دفاعی، اطلاعاتی و امنیتی، مدیریت استراتژیک، سیاست و خط مشی‌گذاری در این عرصه وارد شوند و زوایای گوناگون آن را به تفصیل مورد پژوهش قرار داده و نتیجه تحقیقات خویش را برای استفاده آیندگان در اختیار همگان قرار دهند. مکتب شهید سلیمانی در برگیرنده پیام‌های همراه با محتوا، قضایا و گزاره‌های رفتاری، اخلاقی، تعلیمی و تربیتی فراوان و با ضریب نفوذ بالاست.

در نهایت مکتب شهید سلیمانی، از یک سو ممکن است دچار انحراف شود و از سوی دیگر مورد هجوم و هجمه مخالفان و دشمنان آن قرار گیرد. از این رو نیازمند و مستلزم مفسر و تبیین‌گر برای تبیین و روشنگری گزاره‌های خود به‌منظور جلوگیری از انحراف و هجمه و هجوم است. چنانچه این وظیفه به عهده افراد نااهل بیفتد، به طور قطع این مکتب و سبک زندگی نیز مانند برخی مکاتب جهان از مسیر خود منحرف خواهد شد و ارزش معنوی خود را نیز از دست می‌دهد. توجه به این موضوع ضروری است که به طورکلی و قطعی مفسر چنین مکتبی، در مرتبه اول، رهبر و مقتدای شهید است. در مرتبه بعدی، رهروان و پیروان و مدیران هستند که باید زوایای پیدا و پنهان این مکتب آزادی‌بخش را برای همه مردمان سراسر جهان که تشنه حقیقت‌اند، تفسیر و تبیین کنند.

مکتب سلیمانی

سربازها مرخص شوند

حفاظت از سردار کار سختی بود، چون سردار راحت می‌گرفت. حواسش آن‌قدری که به بیت‌المال بود به خودش نبود. مراسم بزرگداشتی برای فوت پدرشان گرفته بودند. برای آماده‌سازی فضا از سربازها کمک گرفته شد. حاج‌قاسم وقتی وارد شد و این صحنه را دید، مخالفت کرد؛ گفته بود سربازها مرخص شوند، اما محافظت از او نمی‌گذاشت حرفش را قبول کنند. وقتی دید حرفش را نمی‌پذیرند با تک‌تک سربازها روبوسی و از آن‌ها عذرخواهی کرد، به آن‌ها محبت نموده و موقع پذیرایی به مسئولشان گفت: «اول غذای این دوستان سرباز را بدهید...».

بررسی راهکارهای انتقام از عاملان جنایت فرودگاه بغداد در گفت‌وگو با نماینده پارلمان سوریه

پیشرفت ایران؛ بهترین پاسخ به ترور حاج قاسم است

جواد فراهانی | صبحگاه روز جمعه سیزدهم دی ماه برای همه کسانی که دل در گرو محبت و ارادت به حاج قاسم سلیمانی و ایثار و جانبازی‌هایش دارند و با بصیرت منهای حب و بغض به جایگاه او در تغییر معادلات منطقه و جهان می‌نگرند، تداعی‌گر احساس عجیبی است که واژه و قلم توان توصیف آن را ندارند. در دو سالی که از شهادت سردار سلیمانی و حادثه جنایت فرودگاه بین‌المللی بغداد گذشته، پرونده‌های مختلفی برای بررسی ابعاد شخصیتی شهید و یا پیگیری حقوقی و قضایی این جنایت تا رسیدن به مجازات عاملان آن باز شده است.

در بعد فرهنگی آثار ادبی و کتاب‌های متعددی برای ماناکردن مکتب سلیمانی در بسیاری از کشورهای منطقه نگاشته شده و تلاش‌های متعددی برای شناساندن ابعاد مختلف شخصیتی حاج قاسم صورت گرفته اما در کنار تمام فعالیت‌های فرهنگی و رسانه‌ای که در این حوزه انجام شده موضوع پیگیری قضایی و کیفری جنایت ترور امری مهم و ضروری می‌نماید و تعریف و تبیین انتقام جنایت ترور شهید سلیمانی ضرورتی است که باید از سوی نهادهای مختلف ارائه شود.

«حسین امیرعبداللهیان» وزیر خارجه کشورمان در گفت‌وگوی تلفنی اخیرش با «آنتونیو گوترش» دبیرکل سازمان ملل در خصوص پیگیری حقوقی و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران در زمینه پرونده ترور بزدلانه سردار سلیمانی اظهار کرد پرونده ترور سردار را در ابعاد حقوقی و بین‌المللی با جدیت دنبال می‌کنیم و آمریکا نمی‌تواند از مسئولیت قطعی خودش در ترور سردار و قهرمان بزرگ مبارزه با تروریسم سر باز بزند. موضوع انتقام ترور ابعاد معنایی مختلفی دارد که برخی ناظران، آن را در محاکمه و مجازات بین‌المللی عوامل ترور می‌بینند و برخی ارتقای جایگاه جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت و توسعه و پیشرفت را بهترین پاسخ به جنایت‌های جبهه استکبار می‌دانند.

در همین راستا و به بهانه دومین سالروز شهادت سردار سلیمانی در گفت‌وگو با «محمد امین رجا» نماینده حزب بعث در پارلمان سوریه به بررسی ابعاد شخصیتی شهید و راهکارهای انتقام جنایت ترور سردار پرداخته شده است که در ادامه از نظر می‌گذرد.

■ شهید سلیمانی به یکی از چهره‌های برجسته در جهان و خارج از مرزهای سرزمینی تبدیل شده و محبوبیت او فراتر از یک شخصیت نظامی صرف است. ریشه و خاستگاه این محبوبیت کجاست؟

حاج قاسم سلیمانی ثمره محور مقاومت و تربیت یافته مکتب امام خمینی(ره) بود. مکتبی که بنیان آن مبارزه، جهاد، مقاومت، کبریا و عزت و کرامت است و در مدار زمان همچنان نسل‌های بی‌شماری تربیت و به جهان تقدیم می‌کند. او که در این مکتب رشد پیدا کرد، یک انسان عادی با فعالیت‌های روزمره و تفکر محدود به یک چارچوب نظامی صرف و ملی نبود، یکی از رهبران و فرماندهان برجسته در محور مقاومت بود که پایداری، قدرت، صبر، عناد، صلابت و استقامت در جبهه‌های جنگ، میادین جهاد و جبهه‌های مقابله با تروریسم در سراسر منطقه را در آن واحد داشت. در حقیقت شهید سلیمانی محور مقاومت را ایجاد نکرد، بلکه او فرزند این محور بود و تاریخ به ما اطمینان می‌دهد تفکر او دست به دست به نسل‌های آینده منتقل خواهد شد. درست است که ما جسم حاج قاسم را از دست داده‌ایم اما روح او همچنان زنده است و الگوی هزاران نفر از نیروهای مقاومت در جهان باقی خواهد ماند.

■ شهید سلیمانی را در عرصه راهبردهای سیاسی و دیپلماتیک و نظامی همزمان با هم و در همه حوزه‌های محور مقاومت چگونه می‌بینید؟

حاج قاسم سلیمانی بیش از آنکه یک شخصیت سیاسی باشد با چهره نظامی شناخته شده بود، اما او از کانون تصمیم‌گیری‌های سیاسی دور نبود. برای مثال حضور شهید سلیمانی در سوریه که دارای روابط سیاسی و نظامی مشخصی با جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر احترام متقابل به حاکمیت نظامی و سیاسی است، در وهله نخست و بیش و پیش از هر چیز برگرفته از مشروعیت او بر اساس تعامل رسمی با دولت سوریه بود. راهبردهای سیاسی و دیپلماسی شهید را می‌توان در یک نقطه اصلی و محوری خلاصه کرد و آن بقای حاکمیت سوریه و هر نقطه دیگری در عین اتحاد مردم بود. او متعهد به حمایت از دولت سوریه شد، زیرا به این یقین رسید که حمایت از دولت به مفهوم حمایت از آحاد مردم کشور است. در حوزه نظامی نیز مدیریت نظامی و راهبردی شهید سلیمانی بود که صحنه جنگ‌زده کشور را با وجود تمام سلول‌های تروریستی سازماندهی کرد و تروریسم و استکبار را در کشورمان ناکام گذاشت. او فعالیت‌های گسترده‌ای را در امتداد منطقه‌ای وسیع، با کشورهای بی‌شمار داشت که شناخت اقدامات، راهبردها و جایگاه فراموش‌نشدنی او کار آسانی نیست.

■ پس از ترور شخصیت‌های بزرگی مانند شهید حاج قاسم سلیمانی و شهید ابومهدی المهندس، ملت‌های مختلف چه مسئولیتی برعهده دارند؟

می‌دانیم پاسخ این پرسش متوجه محور مقاومت، ملت‌های عربی و اسلامی متشکل از جمهوری اسلامی ایران، سوریه و تعدادی از کشورها و احزاب و گروه‌های عضو محور مقاومت است که برای تحقق حقوق امت اسلامی در دنیا و به‌ویژه مقابله با اشغالگران صهیونیست و تروریسم جهانی در منطقه تلاش می‌کنند. ملت‌های منطقه و کشورهای اسلامی همواره مأوای فکری و اجتماعی و محل شکل‌گیری اندیشه و ایدئولوژی مقاومت بوده‌اند؛ این‌گونه نیست که تفکر مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی صرفاً یک موضوع حکومتی باشد، بلکه ریشه در تفکر و اراده ملت‌های ما دارد و در منطقه اسلامی و عربی، یک جریان مردمی بزرگ علیه تفکر صهیونیستی و آمریکایی وجود دارد. مسئولیت ملت‌ها این است این جنایت زشت و آشکار آمریکایی علیه شخصیتی در این سطح و تجاوز به یک کشور مستقل را محکوم کنند. آمریکا شخصیتی برجسته را که در جنگ رودررو با آن نبود، در کشور میزبان او به شهادت رساند که این یک اقدام غیرقانونی، جنایتکارانه و مردود است.

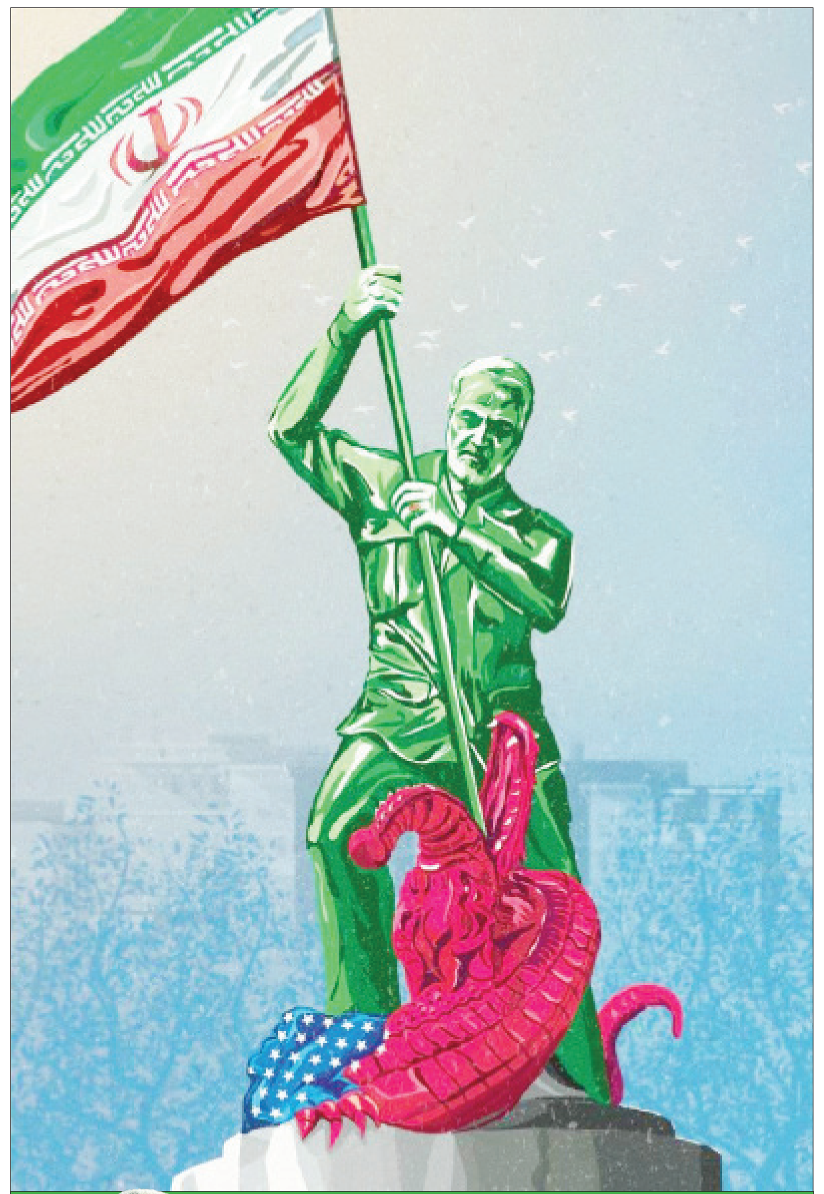

گزیده

در روزهای گذشته شنیدیم جمهوری اسلامی ایران سه ماهواره به فضا پرتاب کرده و این بهترین پاسخ به آن‌هاست؛ چراکه آن‌ها افتخار می‌کنند با ترور شهید سلیمانی و یا شهید فخری‌زاده جلو پیشرفت علمی و نظامی ایران را گرفته‌اند. این‌گونه پیشرفت‌ها سبب می‌شود ایران به عنوان یک کشور پیشگام نقش‌آفرینی کند و دیگر کشورهای اسلامی نیز از آن الگوبرداری خواهند کرد.

■ به نظر شما پاسخ ندادن به این‌گونه جنایت‌ها می‌تواند چه پیامدهای امنیتی و فرهنگی‌ای برای ملت‌های منطقه به بار آورد؟

این یک سؤال بسیار دقیق و حساس است؛ من همیشه نظرم این است باید توازن برقرار شود و در تعامل با این‌گونه امور اعتدال رعایت شده و در همین حین اقتدار لازم در عرصه‌های نظامی، میدان‌های مقاومت، فناوری و تمام عرصه‌های زندگی برقرار باشد. در پاسخ به این‌گونه اقدامات نباید عجله کرد، باید صبور بود تا در زمان و مکان مناسب پاسخ آن را داد. من موافق این نیستم که اگر مثلاً مقابله به مثل نکنیم، موجب می‌شود دشمن جری‌تر شده و جنایت خود را تکرار کند، بلکه پاسخ به آن باید از طریق پیشرفت علمی و فناوری باشد، کما اینکه در روزهای گذشته شنیدیم جمهوری اسلامی ایران سه ماهواره به فضا پرتاب کرده و این بهترین پاسخ به آن‌هاست؛ چراکه آن‌ها افتخار می‌کنند با ترور شهید سلیمانی و یا شهید فخری‌زاده جلو پیشرفت علمی و نظامی ایران را که موجب بی‌نیازی آن از غرب می‌شود گرفته‌اند.

این پیشرفت‌ها سبب می‌شود ایران به عنوان یک کشور پیشگام نقش‌آفرینی کند و دیگر کشورهای اسلامی نیز از آن الگوبرداری خواهند کرد. این‌گونه پیشرفت‌ها سبب ایجاد توازن بین شرق و غرب می‌شود؛ بنابراین من واکنش‌های هیجانی را تأیید نمی‌کنم و بهترین پاسخ خویشتن‌داری و خودداری از ورود به لغزشگاه‌هاست.

اقدام آن‌ها در ترور شخصیت‌هایی مانند شهید سلیمانی و دانشمندان اسلامی، برآمده از خوی استکباری و قلدرمآبی آن‌هاست در حالی که رویکرد محور مقاومت مبتنی بر قانون، قواعد اسلامی و انسانی است. آن‌ها می‌خواهند با پاسخ‌های هیجانی ما، در منطقه آشوب و هرج‌ومرج ایجاد کنند و برای دخالت در کشورهای ما بهانه بدست آورند و با تشکیل گروه‌های تروریستی به ملت‌های ما آسیب بزنند.

■ به نظر شما، پاسخ انتقامی به عملیات ترور شهیدان سلیمانی و ابومهدی المهندس برای تحقق عدالت، یک وظیفه عاطفی است یا وظیفه عقلانی و یا اینکه هر دو جنبه موضوع باید مدنظر باشد؟

مسئله عملیات ترور و انتقام یک موضوع سیاسی، نظامی و امنیتی است و در این میادین جایی برای احساسات و پاسخ‌های عاطفی نبوده و اشتباه در این میادین جایز نیست؛ یک اشتباه در این عرصه ممکن است پیامدهایی بس خطرناک و بزرگ به همراه داشته باشد؛ بنابراین نحوه برخورد با آن باید به متخصصان امر واگذار شود.

ما باید داستان حکمیت عمروعاص و ابوموسی اشعری را به یاد داشته باشیم، تاریخ همواره در حال تکرار است. عمروعاص با مکر و حیله‌گری خود، نماینده امیرالمؤمنین(ع) را فریب داد. ایشان می‌خواستند نماینده‌شان «عبدالله بن عباس» باشد، اما خوارج اصرار کردند ابوموسی که فردی متدین اما کم خرد و بی‌سیاست بود، نماینده باشد. وقتی عمروعاص او را فریب داد، به معاویه پیام فرستاد که افعی هر قدر هم سرش کوچک باشد، بلعیدن موش‌ها برای آن سخت نیست. پرسیدند منظورت چیست؛ گفت به معاویه بگویید عمروعاص با مکر خود ابوموسی را بلعید. بنابراین ما نباید اجازه دهیم عواطف و احساسات بر رفتارمان غلبه کند و به‌گونه‌ای رفتار کنیم که هم‌ردیف جنایتکاران قرار بگیریم. درست است که در میدان با آن‌ها می‌جنگیم و به تجاوزاتشان پاسخ می‌دهیم، اما نباید اجازه دهیم احساسات و عواطفمان منجر به اشتباهاتی جبران‌ناپذیر برای کشورهای اسلامی شود. من طرفدار رویکرد و پاسخ عقلایی هستم و با این روش است که می‌توانیم پیروزی‌های بزرگی را رقم بزنیم و در عرصه علمی و فناوری پیشرفت کنیم.

■ به نظر شما آیا پاسخ به این جنایت آمریکا و انتقام ترور شهیدان سلیمانی و ابومهدی فقط وظیفه ملت‌های منطقه است یا اینکه این پاسخ می‌تواند از سوی دیگر ملت‌ها در سراسر جهان نیز داده شود؟

طبیعتاً ملت‌های دور از منطقه ما از لحاظ نظامی نمی‌توانند اقدامی را علیه آمریکا انجام دهند و اساساً پاسخ به این شکل، ارتباطی با آن‌ها ندارد، اما آن‌ها با محکوم و تقبیح کردن این‌گونه جنایت‌ها و اعلام همبستگی با ما به عنوان دوست می‌توانند به نوبه خود به این جنایت پاسخ دهند و به ما در این مسیر کمک کنند.

اما اینکه آیا ایران می‌تواند در مناطقی دور از منطقه خودمان علیه آمریکا و مجریان این جنایت اقدام کند یا خیر، اول اینکه شخص من به انجام این کار تشویق نمی‌کنم؛ زیرا این کار پیامدهای زیادی دارد، به عنوان مثال اگر سگی هار انسان را گاز گرفت این انسان تلاش نخواهد کرد او را گاز بگیرد. بین ما و مجرمان و مجریان این جنایت تروریستی تفاوت بزرگی از نظر اخلاقی وجود دارد. ضمن اینکه اقدام علیه آن‌ها در کشوری دیگر می‌تواند تبعات زیادی برای ما داشته باشد، به‌ویژه آنکه ابزار رسانه‌ای آن‌ها تبلیغات گسترده‌ای را علیه مقاومت به راه خواهد انداخت و در شورای امنیت سازمان ملل کشورها را علیه ما تحریک خواهند کرد.

عکس‌نوشته

آخرین زیارت سردار

عکس‌ها: مسعود نوذری

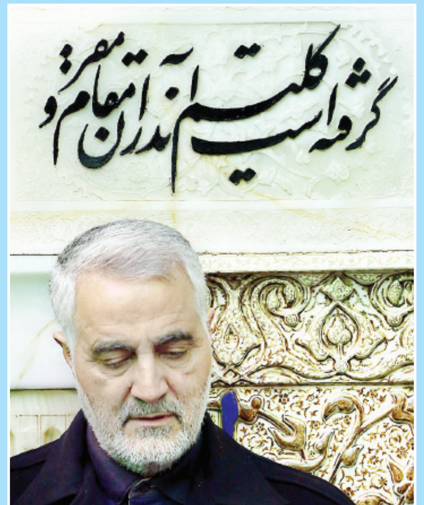

رواق | **در دومین سالگرد شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی، شنیدن روایتی از عشق و ارادت ویژه آن شهید به حضرت رضا(ع) خالی از لطف نیست.**

مصطفی خاکسار قهرودی، قائم مقام سابق آستان قدس رضوی که در زمان حیات سردار سلیمانی و تشرف او به حرم مطهر رضوی این مسئولیت را بر عهده داشته، روایتی از آخرین زیارت سردار دل‌ها را بازگو کرده است.

«یادم نمی‌رود؛ آخرین باری که ایشان به حرم منور رضوی مشرف شد حالی فراموش‌نشدنی داشت. احساس می‌کنم سردار، شهادت خود را در حرم از خدا خواست. این را می‌شد از حال‌وهوایش درک کرد. همواره در فراق شهدا اشک می‌ریخت و خود را از قافله شهدا عقب می‌دید. بارها این مسئله را در تشرف‌های ایشان به حرم رضوی می‌دیدم. با همه وجود می‌خواست به شهادت برسد و در نهایت هم به مقام شهادت که خواستار آن بود رسید و بی‌تردید در میان شهدا نیز جایگاه برجسته‌ای دارد».

ادامه داشتن راه شهید سلیمانی هم نکته دیگری بود که خاکسار قهرودی به آن اشاره کرد و گفت «آن‌گونه که به حاج‌قاسم حمله کردند و ایشان را به شهادت رساندند، کاری ذلیلانه و مذبوحانه است. مردم، بسیجیان، سپاه و بسیج یمن و عراق دوستان و سربازان حاج‌قاسم هستند. دشمن باید بداند روی آرامش را نخواهد دید، این بسیجیان هرجای دنیا که باشند انتقام حاج‌قاسم را خواهند گرفت. دشمن خوشحال نباشد زیرا هزاران حاج‌قاسم در دنیا قد علم خواهند کرد و محکم‌تر از گذشته مقابل دشمن می‌ایستند».

یادداشت

تفکر سیستمی و مدیریت راهبردی حاج قاسم سلیمانی

پروفسور حمیدرضا یوسفی،
استاد تاریخ تفکر دانشگاه پُتسدام آلمان و پژوهشگر فلسفه میان‌فرهنگی

کشور ما در منطقه‌ای قرار دارد که بیشتر مردمانش با صدای بمب و سوگواری از خواب بیدار می‌شوند و روز خود را با ترس و وحشت از عملیات انتحاری و حمله پهپادهای بیگانه سپری می‌کنند. منطقه‌ای که آمریکا و کشورهای اروپای غربی در آن برای حفظ منافع خود پایگاه نظامی دارند و تروریست‌هایی از القاعده و طالبان گرفته تا داعش را به وجود آوردند. طالبانی که آمریکا و متحدانش آن را برای فراری دادن ارتش اتحاد جماهیر شوروی از افغانستان آفریدند امروز آمریکا و متحدانش را از این کشور فراری داده و خود بر آن کشور حکومت می‌کند. در منطقه‌ای که شکاف‌های قومی و اختلافات مذهبی در چارچوب مرزهای تصنعی تاریخیِ پر از خون‌ریزی و جنگ وجود دارد، قاسم سلیمانی مثل باران فراتر از همه این شکاف‌ها و نزاع‌های تاریخی برای سعادت بر سر همه اقوام، مذاهب و ملت‌ها بارید. این عملکرد، همان آموزه پیغمبر اسلام(ص) است که رحمت‌للعالمین بود. تلألو دلفریب قاسم سلیمانی برای ملت‌های منطقه ناشی از همین آموزه پیامبر اکرم(ص) است. حال چگونه می‌توان در چنین منطقه‌ای که آتش را در آن با بنزین خاموش می‌کنند، امنیت کشوری بزرگ مثل ایران را تأمین کرد که در ۴۰ سال گذشته، ۴۸ میلیون افزایش جمعیت داشته است؟

این کار بزرگ تنها با تفکر راهبردی، پشتکار خم‌ناپذیر و مسئولیت‌پذیری مداوم امکان‌پذیر خواهد بود. سپهبد قاسم سلیمانی در کنار سپهبد علی صیاد شیرازی و سپهبد ولی‌الله قرنی یکی از فرزندان برومند ایران‌زمین است که زندگی خود را وقف صیانت از امنیت و تمامیت ارضی کشورمان کرده است. قاسم سلیمانی فرزند یک اندیشه است که مبانی آن را تفکر و ساختارش را مدیریت راهبردی تشکیل می‌دهد.

قاسم سلیمانی تفکر راهبردیِ سرشار از عاطفه ملی و دینی خود را در همان ابتدای جنگ با ایجاد گردان کربلا نشان داد. او با کار جمعی و عبور موفق از آتش حوادث جنگ و راهبری گردان قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پشتکار تاریخ‌ساز و مسئولیت‌پذیری سیستمی و درون‌خیز خود را به رخ جهانیان کشید و از همان آغاز تبدیل به یک الگوی کارآمد و جهانی شد. قاسم سلیمانی می‌دانست باور در هم تنیده با ایمان راسخ، تعیین‌کننده و در همه عرصه‌ها تمام‌کننده است. او با این چشم‌انداز عمیق، معمار تفکر خودباورانه و مبتنی بر اعتماد و عزت‌نفس «ما می‌توانیم» بود. قاسم سلیمانی ایمان عقلی به این واقعیت داشت که با خوداتکایی و اعتماد به استعدادها می‌توان سدهای ازخودبیگانگی و چالش‌های سخت ناشی از آن را تبدیل به فرصتی برای ایجاد آغازی دوباره در همه زمینه‌های ممکن و در نهایت تعالی ایران‌زمین کرد.

می‌پرسیدند چرا قاسم سلیمانی در عراق و سوریه است ولی نمی‌پرسیدند نیروهای آمریکایی در سوریه و عراق، پشت گوش کشور ما چه می‌کنند؟ آن‌ها نگفتند و نمی‌گویند آمریکا از دوردست‌ها برای حفظ منافع خود پشت گوش ما آمده است نه برای ایجاد آرامش. برنامه آن‌ها این بود که عراق و سوریه را تحت اختیار کامل خود درآورند تا بتوانند مرزهای آرمانی از نیل تا فرات را به وجود آورده و سرمایه‌های ملی این کشورها را در اختیار خود درآورند.

قاسم سلیمانی از معماران شکست این طرح آمریکا و متحدانش است. آمریکا و متحدانش به خوبی می‌دانند علت فعالیت‌های برون‌مرزی ایران به رهبری قاسم سلیمانی -با توجه به مشکلات اقتصادی ناشی از تحریم‌ها و فشار زیاد بر مردم- ایجاد امنیت درون‌مرزی است. قاسم سلیمانی یک‌تنه با تمام باور و ایمانش می‌داند امنیت، مبانی تحول جامعه است، درحالی که آمریکا با اعمال فشار حداکثری دنبال ایجاد شکاف سیاسی و اجتماعی و فروپاشی ایران است. آمریکا ایران را مزاحم تحقق اهداف خود در آسیای غربی می‌داند. اگر ایران امروز دست از استکبارستیزی بردارد، به آیت‌الله خامنه‌ای جایزه صلح نوبل خواهند داد. آمریکا ناآرام‌سازی یا سوریه‌سازی ایران و روی برگرداندن مردم از حکومت را بهترین حالت برای تحقق اهداف خود می‌بینند.

بدیهی است یک کشور ناآرام و ناامن مثل سوریه، عراق، افغانستان و یمن که روی گنج انرژی جهان نشسته‌اند، توان ایجاد رشد و تحول را نخواهند داشت و نیروی خود را مصروف درگیری‌های حزبی و جناحی در کشور خواهند کرد. قاسم سلیمانی چشمان این راهبرد را کور و ذهن آن را دگرگون کرد.

آمریکا و متحدانش که امروز در وین به ایران فشار حداکثری سیاسی و رسانه‌ای با جنگ روانی می‌آورند، به‌خوبی می‌دانند قاسم سلیمانی موفق شده برای در هم شکستن سیاست‌های آن‌ها مرزهای دفاعی ایران را به‌عنوان بخشی از سیاست کلان کشور، به‌منظور دور نگه‌داشتن از آسیب‌های مخرب، واکسینه کند. قاسم سلیمانی نماد و مصداق آشکار مبارزه با تروریسم و احیای ارزش و کرامت انسانی است. دلیل هیولاسازی آمریکا و متحدانش از سپاه پاسداران و شخص قاسم سلیمانی همین درایت راهبردی و مدیریت سیستمی است.

قاسم سلیمانی یکی از سرداران نظامی نابغه و مردمی معاصر است، کسی که تمام معادلات ایران‌ستیزان داخل و خارج از کشور را با شکست روبه‌رو کرد. او یک استعداد شایسته و مدیر بزرگ بود که در انسجام خط مقاومت نقشی راهبردی بر عهده داشت. او تاریخ‌ساخت و تاریخ در مورد او قضاوت خواهد کرد.

نام قاسم سلیمانی یک نظام فکری منسجم است که عمق سیره او را تنها در سلوک مالک‌اشتر می‌توان یافت. فرهنگ‌سازی این تفکر سرشار از معنویت و باور تبدیل به ایمان شده، می‌تواند ایران را از همه بحران‌های ممکن عبور دهد و به قله‌های خودباوری و پیشرفت همه‌جانبه راهبری کند. تاریخ معلم خوبی است و دلایل امنیت کشورمان و حضور قاسم سلیمانی در عراق و سوریه و خنثی‌سازی تهدیدات سیاست‌های آمریکا در قبال منطقه و ایران را به ما خواهد آموخت.

آمریکا و متحدانش معتقدند تحریم‌های مکرر پس از برجام، قانونی است و خروج غیرقانونی ترامپ از برجام، «تهدیدکننده» برجام نبود. آن‌ها اعتقاد دارند تحریم در حین مذاکرات وین «تهدیدکننده» مذاکرات نیست. آن‌ها معتقدند ترور دانشمندان هسته‌ای در حین مذاکرات، «تهدیدکننده مذاکرات» نبود. ترور قاسم سلیمانی، سپهسالار این خاک؛ در لباس غیرنظامی و در فرودگاه غیرنظامی، «جنگ‌طلبی» نبود. ولی شعار نوشتن روی موشک‌های دفاعی ایران «تهدیدکننده و جنگ‌طلبی» بود و هست.

سپهبد شهید قاسم سلیمانی یکی از ستارگان ماندگار آسمان ایران زمین است که به ما درس خودباوری، تفکر مسئولیت‌پذیر، نگاه مدیریتی و بشردوستی فرامرزی می‌دهد. او عاشق ملت ایران و امت مسلمان با همه سلیقه‌ها و دیدگاه‌هایشان بود.

قاسم سلیمانی شهیدِ وجدانِ زمان ماست، نمادی که امید می‌دهد و اطمینان می‌بخشد، نمادی که سردار دل‌هاست. قاسم سلیمانی در نبرد، دلاور و در زندگی، مقاوم است. او به کرامت انسان و قدرت عمل خودباورانه ایمان دارد. قاسم سلیمانی برای همیشه در حافظه بشریت می‌ماند، مثل طلوع خورشیدی که به زندگی معنا و امید می‌بخشد. نام حاج قاسم، از سرزمین وجود انسان‌های آزاده رخت برنمی‌بندد: الگویی که با آن خوبی را به جست‌وجو می‌رویم، زیبایی را می‌ستاییم و از حقیقت صیانت می‌کنیم.

من قتل فی سبیل الله، لم یعرفه الله شیئا من سیئاته

هرکه در راه خدا کشته شود، خداوند چیزی از گناهانش را به او نشان نمی‌دهد.

مکتب سلیمانی

مگر به خانه شما آمده‌اند؟

حاج محمود کریمی مداح اهل بیت(ع) گفته بود: پس از پایان مراسم عزاداری در اتاقی از هیئت نشسته بودیم. مردی با عصبانیت وارد اتاق شد و گفت چرا به این خانم‌های بدحجاب که به هیئت آمدند اعتراض نمی‌کنید؟ و به حاج‌قاسم سلیمانی رو می‌کند و می‌گوید: حاجی شما یک چیزی به این‌ها بگویید. سردار سلیمانی رو به مرد می‌کند و می‌گوید: مگر به خانه شما آمده‌اند که معترضشان شدید. این‌ها به خانه مادرشان زهرا(س) آمده‌اند. شیوه برخورد حکیمانه و سعه‌صدر حاج‌قاسم سلیمانی در مواجهه با مردم، یکی از نمونه‌های مثال‌زدنی است که کمتر در بین مسئولان می‌بینیم.